

آینده نظام‌های رده‌بندی دانش

● سید ابراهیم عمرانی^۱
رئیس کتابخانه علوم دانشگاه تهران

گذشته خود، (از جان مایه گذاشتن‌های سال‌های متمادی در گوشه کتابخانه‌ها که نام «رده‌بندی» بر آن می‌گذاریم)، در دفاع از رده‌بندی صحبت می‌کنند. به‌علاوه در مقالات بعدی کتاب این حرارت به‌خرج دادن برای حفظ و تداوم اینگونه سازماندهی آثار فکری، یعنی رده‌بندی قابل مشاهده است.

پنج فصل اول به اصول کلی اختصاص دارند. اریک هانتز که در حوزه رده‌بندی فرد شناخته‌شده‌ای است، ما را در برابر این سؤال اساسی قرار می‌دهد که «آیا هنوز به رده‌بندی احتیاج داریم؟». در مقاله سوم نیز جولیان وارنر همین سؤال را با پرسشی دقیق‌تر تکرار می‌کند: «آیا رده‌بندی هنوز یک ارزش اصلی و پایه‌ای در بازیابی اطلاعات محسوب می‌شود؟» و با کمال تعجب به‌جای پاسخ مثبت، پاسخ هر دو نویسنده «شاید» است. هانتز عقیده دارد که از زاویه مدیریت اطلاعات، رده‌بندی ابزار اصلی سازماندهی از زاویه مکان‌یابی است. تأکید بر این نکته کاربرد بسیار مهم دیگر رده‌بندی را از چشم تیزبین هانتز و نیز جولیان وارنر در فصل سوم پنهان نکرده و آن هم استفاده از رده‌بندی در بازیابی اطلاعات است. این جنبه از کاربرد رده‌بندی‌ها که از دغدغه‌های نگارنده نیز بوده و هست، امکان ادامه استفاده از رده‌بندی را در محیط‌های دیجیتالی ممکن ساخته و از این طریق آینده رده‌بندی‌ها را تضمین می‌کند.

مؤلفان خود، در فصل مستقلی در دفاع از رده‌بندی برای جلوگیری از اتلاف وقت پژوهشگران در مخازن



■ آینده رده‌بندی، ویراستاران: ریتا مارسلا و آرتور مالتبای، ترجمه: زهرا ابادری و فهیمه باب‌الحوائجی، ویراستار: مهرناز رزمجویان، تهران: نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۲۰۸ ص، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۹۰-۴۷-۵

درباره کتاب

مؤلفان ده مقاله این کتاب هر یک دیدگاه خود را در زمینه توسعه یکی از مهم‌ترین ابزارهای سنتی کتابداری یعنی «رده‌بندی»، چه رده‌بندی‌های شمارشی و چه رده‌بندی‌های تحلیلی و ترکیبی در کتابخانه‌های دیجیتال و منابع اینترنتی ارائه می‌کنند. مارسلا و مالتبای در مقدمه، با دل‌بستگی شدیدی نسبت به فعالیت‌های



هاتر عقیده دارد که از زاویه مدیریت اطلاعات، رده‌بندی ابزار اصلی سازماندهی از زاویه مکان‌یابی است

جولیان وارنر در فصل سوم رده‌بندی را به‌مثابه ابزاری با ارزش از جنبه‌های اکتشاف اطلاعات و اطلاع‌یابی مورد بحث قرار می‌دهد و مهم‌ترین کاربرد رده‌بندی را استفاده در بازیابی اطلاعات می‌شناسد

پریش که رده‌بندی به کجا می‌انجامد، می‌نویسد اگر ما بتوانیم رده‌بندی‌ها را از نظامی خطی و یک‌بعدی به نظامی چندبعدی ارتقا دهیم و رده‌بندی ترکیبی از عناصر مختلف کتاب‌شناختی باشد، خواهیم توانست از آنها در ذخیره و بازیابی اطلاعات در مجموعه‌های بزرگ دیجیتالی و اینترنت استفاده کنیم و رده‌بندی به حیات خود و به‌شکلی جدید ادامه خواهد داد.

چهار فصل بعدی هر یک به وضع موجود و چشم‌انداز آینده رده‌بندی‌های خاص یا انواع خاص رده‌بندی می‌پردازند. هر چهار فصل را مشهورترین و توانمندترین متخصصان آن رده‌بندی نوشته‌اند. فاسکت رده‌بندی چهارده‌ای را بررسی می‌کند. میچل درباره دیویی و مک لیوین درباره رده‌بندی دهدهی جهانی یو. دی. سی^۲ دیدگاه‌هایشان را مطرح کرده‌اند و لوئیس می‌چان و تودور هاجز رده‌بندی کتابخانه کنگره را مورد بحث قرار می‌دهند. در عین حال که نویسندگان با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند، در یک نکته دیدگاه مشترکی دارند و آن هم امیدواری خوش‌بینانه به آینده رده‌بندی‌های مورد بحثشان است.

در فصل پایانی، ام. پی. ساتیجا که احتمالاً به‌طور سهوی نامش بر بالای ترجمه فارسی مقاله نیامده است، متونی را که به مقوله رده‌بندی می‌پردازند، بررسی می‌کند و در نهایت امیدوارانه به نقشی که ممکن است کتابخانه کنگره با توسعه رده‌بندی خود برای نیازهای دوره کنونی داشته باشد، نگاه می‌کند.

عظیم اطلاعات قلم‌فرسایی کرده و معتقدند که حتی اگر نظام‌های رده‌بندی سنتی که هنوز کاربرد وسیعی دارند، در آینده مورد استفاده قرار نگیرند، فعالیتی به نام رده‌بندی کردن منتفی نخواهد بود و مسلماً به‌شکل دیگری ادامه خواهد یافت.

جولیان وارنر در فصل سوم رده‌بندی را به‌مثابه ابزاری با ارزش از جنبه‌های اکتشاف اطلاعات و اطلاع‌یابی مورد بحث قرار می‌دهد و مهم‌ترین کاربرد رده‌بندی را استفاده در بازیابی اطلاعات می‌شناسد و به‌همین دلیل چنانکه گفته شد، ادامه رده‌بندی‌ها و حتی توسعه آنها را با این رویکرد امکان‌پذیر می‌داند.

فصل‌های چهارم و پنجم به رده‌بندی در محیط‌های دیجیتالی و اینترنتی اختصاص دارد. نیوتن پس از بحث درباره تأثیر فناوری اطلاعات، بر مدیریت جدید اطلاعات تأکید کرده و کتابداران را تشویق می‌کند تا در رده‌بندی منابع دیجیتالی نقش پررنگ و مؤثری برعهده گرفته و ابتکار عمل تدوین راهی استراتژیک برای مدیریت اطلاعات آشفته در محیط اینترنت را به‌دست گیرند. وی در این فصل به رده‌بندی خودکار، رده‌بندی در کتابخانه‌های دیجیتالی، رده‌بندی منابع الکترونیکی و درگاه‌های موضوعی اینترنتی می‌پردازد.

مک لنن در فصل پنجم بر مسئله رده‌بندی خودکار تأکید بیشتری دارد و مثال‌های متعددی برای شیوه‌هایی که با آن رده‌بندی‌ها را برای منابع اینترنتی قابل استفاده سازد، ارائه می‌دهد. وی در پاسخ به این



کتاب در مجموع
ارزش رده‌بندی را
برای سازماندهی
آثار فکری در
محیط‌های به‌سرعت
توسعه‌گرای
دیجیتالی به‌خوبی
بازنمایی می‌کند

را ندارد و تنها به نمونه‌هایی اشاره می‌شود. در سطر هشتم صفحه ۱۴۱ به‌جای «مدیریت دولتی» از عبارت «اداره کل عمومی» استفاده شده است یا عباراتی مانند «حمایت می‌کند» برای "Support" و «توصیه می‌کند» برای "Recommend" به‌کار رفته است که معادل‌های فارسی خوبی برای همه موارد نیستند و نشر فارسی را به نثری قرضی و ضعیف تبدیل می‌کنند.

آنچه نگارنده قصد بررسی آن را دارد، ارائه چند مورد از جملات کامل و تا حد ممکن از شروع بند است که قابل فهم نبوده و کثرت آنها خواندن و درک کتاب را سخت کرده است. در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود و امید است که برای چاپ بعدی مورد توجه قرار گیرد.

- فصل سوم نوشته جولیان وارنر، از نظر مفهوم و لحن از ساختار بسیار خوبی برخوردار است و با تیزبینی این فرضیه قدیمی را که در بازیابی اطلاعات ظرفیت مربوط به یک مفهوم مشخص به‌همراه آزمایش ارتباط، ابزار قابل اطمینانی برای سنجش کارایی است، بررسی می‌کند (ص ۱۳).

- یکی دیگر از عوامل ایجادکننده جست‌وجو در

کتاب در مجموع ارزش رده‌بندی را برای سازماندهی آثار فکری در محیط‌های به‌سرعت توسعه‌گرای دیجیتال به‌خوبی بازنمایی می‌کند. شایان ذکر است که بسیاری از مطالب این کتاب بدون داشتن حداقلی از اطلاعات درباره ماهیت رده‌بندی و آشنایی با رده‌بندی‌های مختلف برای خواننده قابل درک نخواهد بود و بیشتر مورد توجه و استفاده کتابدارانی قرار خواهد گرفت که به مقوله رده‌بندی آشنا و علاقه‌مند هستند.

درباره ترجمه

ترجمه کتاب به ویرایشی اساسی نیاز دارد. ویراستار محترم دقت کافی در ویرایش و یکدست کردن مطالب کتاب را نداشته است. عدم یکدستی ترجمه نیز در فصول مختلف کتاب کاملاً مشهود است و فصول پایانی قابل فهم‌ترند که دلیل آن این است که یا مترجمان به‌مرور که در ترجمه پیش رفته‌اند، با نثر اثر اصلی آشناتر شده‌اند، یا چون درباره رده‌بندی‌های موجود بوده، ترجمه اندکی بهتر شده است.

نگارنده قصد ورود به اشتباهات مفهومی واژگان

**عدم یکدستی ترجمه
نیز در فصول مختلف
کتاب کاملاً مشهود
است و فصول پایانی
قابل فهم‌ترند**

شبکه، انگیزه است که براساس سلسله‌مراتب به‌طور خودکار واژگان اضافی را برای بهترشدن جست‌وجوی شما توصیه می‌کند (ص ۳۵).

دشواری‌های جدید به‌وسیله حجم زیادی از «انتشارات» که بخش اعظم آن بالقوه زودگذر و ناپایدار است، به‌شکل کاملاً الکترونیکی ظهور می‌کند. در پرتو این عوامل هرگونه محصول که در ذخیره محدود و ثابت

باقی می‌ماند، ارزش فوق‌العاده‌ای می‌یابد (ص ۴۳).
جهان مدرن ما چه از نظر کاری و چه از نظر سرگرمی در نحوه استفاده از این زمان بسیار غنی است (ص ۴۴).

حتی بخش‌های دائمی به‌وجودآمده در برنامه آموزش حرفه‌ای یعنی «کار مرجع» که تقریباً همیشه از فهرست‌نویسی و رده‌بندی است، جداست، می‌تواند تا حدی به تفاوت‌های غیرواقعی کمک کند (ص ۴۷).

تحول اندازه‌گیری سیستم بازیابی اطلاعات از طریق سنجش ظرفیت تحویل سوابق مناسب در پاسخ به درخواست‌هایی که عمداً به تفصیل بیان شده‌اند، می‌باشد (ص ۶۴).

در یک سطح ذهنی این پیشنهاد را می‌توان با خویشتن‌نگری تقویت کرد: آنچه من از یک نظام بازیابی اطلاعات می‌خواهم تغییر شکل مرموز درخواست به‌شکل مجموعه‌ای از سوابق نیست، بلکه روشی برای گسترش توانایی من برای انتخاب آگاهانه اشیا در یک

جهان فرضی گفت‌وگو و استدلال است. چنین توانایی گسترده‌ای برای انتخاب آگاهانه با توانایی کشف ارتباط دارد. همچنین می‌توان آن را با احساس کنترل شناختی یا توانایی تشخیص بین انواع اهداف ارائه‌شده قابل مقایسه دانست (ص ۶۷).

چنین به‌نظر می‌رسد که درحال حاضر موتورهای جست‌وجو ابزارهای مؤثری برای فراهم‌آوردن مناسب «کنترل فهرست کتب» برای پایگاه‌های گسترده نیستند

(ص ۸۱).

در سال‌های اخیر که اینترنت در ذهن عمومی شهرت یافته، حداقل در کشورهایی که فناوری ارتباط از راه دور امکان بهره‌برداری سریع و با کیفیت قابل قبول را ایجاد می‌کند، جامعه اطلاع‌رسانی و کتابخانه (آی. ال. اس آ) به‌عنوان منابع اطلاعاتی به حساب می‌آید (ص ۹۷-۹۸).

به جنبه‌هایی از طرح‌های رده‌بندی تا حدودی می‌توان به این انتقادات پاسخ داد. اما در این صورت باز مشکلات مربوط به حافظه بروز می‌کند. اگر ما اداره رده‌بندی بر سیستم‌های خودکار تکیه کنیم، تمام‌شدن شماره‌ها کمترین مشکل خواهد بود (ص ۱۰۵).

نظم رده‌های اصلی با هیچ منطق واقعی در قرن بیست‌ویکم مطابقت ندارد، به‌طوری که این کار می‌توانست انجام شود و ایجاد شکاف‌های بیشتر، از نظر عقلانی رضایت‌بخش نیست. بدیهی است جذابیت‌های قوی در گسترش رده‌های علوم وجود دارد. به‌طوری که در اهداف اولیه نیز همین‌گونه بود. احتمال جای‌دادن نظام‌هایی مثل روان‌شناسی و مطالعات محیطی در رده چهار نیز نادیده گرفته نشده است (ص ۱۶۲).

نظام کتابخانه کنگره پاسخ‌گوی اصل دسترسی سریع به اطلاعات رایج درباره تغییرات سیستم است. در این باره جدیدترین مورد قابل توجه، توسعه رده‌بندی اضافه است (ص ۱۷۸).

پی‌نوشت‌ها:

1. Emrani@khayam.ut.ac.ir
2. UDC
3. ILS
4. DDC2